



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۷۷-۱۵۳

بررسی تطبیقی مکاتب سناریونگاری آینده‌پژوهی شل و پراسپکتیو

مصطفی حسینی گلکار

استادیار آینده‌پژوهی سلامت دانشگاه علوم پزشکی کرمان

سید سپهر قاضی نوری^۱

استاد مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه تربیت مدرس

فاطمه ثقفی

دانشیار مدیریت صنعتی دانشگاه تهران

عبدالرحیم عیوضی

استاد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

(تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۵)

چکیده

آینده‌پژوهی دانش/ هنر معماری آینده است و سناریو خروجی آرمانی آن و به تعبیری از لحاظ متدولوژیک، وحدت بخش روش‌های متعدد مورد استفاده در فرآیند آن بوده و تنها حوزه آینده‌پژوهی است که در آن تعبیر «مکتب» به کار رفته است. مع الوصف تاکنون مطالعات تطبیقی کافی درباره مکاتب سناریونگاری صورت نگرفته است و اغلب تحقیقات در سطح متدولوژی متوقف مانده‌اند. هدف مقاله حاضر، بررسی تطبیقی دو مکتب بزرگ سناریونگاری آینده‌پژوهی: لاپراسپکتیو (مکتب فرانسوی) و شل (مکتب انگلیسی) می‌باشد و در پی درک بهتر شاخص‌ها، ویژگی‌های مقوم، مبانی و مفروضات؛ رویکردها؛ روش‌شناسی و دستاوردهای سناریونگاری، شباهت‌ها و تفاوت‌های این مکاتب هستیم. روش منتخب مقاله، مطالعه تطبیقی مبتنی بر تحلیل تاریخی-گفتمانی-چارچوبی براساس منابع کتابخانه‌ای (مکتوب و برخط) موجود بوده است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش، دست یافتن به مؤلفه‌های کلیدی تمایز و تشابه دو مکتب در سطوح ترمینولوژی؛ معرفت‌شناسی؛ روش‌شناسی و... و همچنین استخراج مدل کلان مکاتب بوده است.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، سناریونگاری، رویکرد تطبیقی، مکتب انگلیسی شل، مکتب فرانسوی

لاپراسپکتیو.

مقدمه

سناریونگاری به مثابه مهم‌ترین و پر تکرارترین روش از ابتدا با آینده‌پژوهی همراه بوده و اکنون خروجی آرمانی و وحدت بخش رویکردهای گوناگون این حوزه تلقی می‌شود (Bell, 2005) و همانگونه که آینده‌پژوهی در سیری تکاملی از پارادایم‌های پیش‌گویی و پیش‌بینی تا آینده‌نگری گذر نموده؛ نسل‌های متوالی سناریونگاری نیز از *هرمان کاهن و پیر واک* تا *شوآرتز* و *مکتب شل* و سناریونگاری‌های راهبردی متأخر بلوغ یافته‌اند (Hosseini et al, 2017). امروزه رویکردهای منتج به سناریوها بسیار زیادند تا جایی که از توصیفات آرمان شهری و شهودی نخبگان تا روش‌های کمی و مبتنی بر نرم افزارهایی چون میک‌ماک و ماکتور در مکتب فرانسه را در بر می‌گیرند (Gordon & Glenn, 2003). مع الوصف در تقریرهای متأخر آینده‌پژوهانه، هرگونه داستان یا توصیف درباب آینده را سناریو مناسبی نمی‌دانند؛ بلکه سناریوی خوب بایستی مشتمل بر ویژگی‌های بدیل اندیشی، خلاقانه بودن، توصیف و پوشش همه فضای عدم قطعیت پیش رو و منطق پشتیبان باشد. در یک تعریف جامع، طراحی سناریو فرایندی است از موقعیت‌یابی و ترسیم چندین محیط آینده بدیل به گونه‌ای آگاهانه، باورکردنی و قابل تصور که از طریق آن بتوان برای آینده تصمیمات معقولی گرفت. این فرایند به منظور تغییر تفکر جاری، بهبود تصمیم‌سازی، توسعه یادگیری فردی و سازمانی و بهبود عملکرد صورت می‌گیرد (Chermack, 2011). مرور تفصیلی ادبیات این حوزه حاکی از آن است که از ابتدای قرن جدید، تلاش‌های متعددی جهت فهم و توسعه مبانی نظری سناریو صورت گرفته است و در این میان «مکتب» کلیدواژه مهمی در نظریه‌پردازی سناریو است. متفکران و منابع اصلی متعددی از عنوان «مکتب سناریونگاری» استفاده کرده‌اند (از جمله بیشاپ، ۲۰۰۷؛ ماسینی، ۲۰۰۱؛ گلن، ۲۰۰۳؛ گوده، ۲۰۱۱؛ ون نوتن، ۲۰۰۶؛ چرماک، ۲۰۱۱؛ عامر، ۲۰۱۳) اما هیچ کدام از آنها به اندازه کافی چیستی و ماهیت «مکتب» بودن را مورد بررسی قرار نداده‌اند. تحقیقات مذکور با هدفی یکسان ارائه شدند و به مرور حوزه سناریونویسی پرداختند تا در صورت امکان به ایجاد نوعی سازمان و درک از این حوزه نائل شوند و بدین منظور به ارائه شیوه‌های مختلف تفکر درباره سناریوها اقدام کردند (مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته در این حوزه تاکنون در جدول ۱ فهرست شده‌اند).

جدول ۱- مرور تطبیقی ادبیات ایجاد شده در حوزه های نظری سناریونگاری [از محققان^۱]

ردیف	سال	محققان	عنوان	موضوع / نتایج
۱	۲۰۰۳	ون نوتن و همکاران	Scenario development: a typology of approaches	نوع شناسی «انواع سناریو» براساس (۱) هدف پروژه؛ (۲) طرح و (۳) محتوا
۲	۲۰۰۴	میتزور و رجر	Scenario Approaches – History, Differences, Advantages and Disadvantages	مقایسه سه گونه سناریونگاری براساس تعاریف، اهداف و گام ها
۳	۲۰۰۵	براد فیلد و همکاران	The origins and evolution of scenario techniques	طرح رویکرد تاریخی / تکامل سه مکتب سناریونویسی
۴	۲۰۰۶	بورجسون و همکاران	Scenario types and techniques: towards a user's guide	طبقه‌بندی تکنیک های سناریو براساس مدل آمارا
۵	۲۰۰۷	بیگز	Linking futures across scales: a dialog on multiscale scenarios	طرح و محتوا در سناریونگاری
۶	۲۰۰۷	بیشاپ، هاینز و کالینز	The current state of scenario development: an overview of techniques	مطالعه تطبیقی روش های پشتیبان
۷	۲۰۰۸	ویلیکینسون	Evolving practices in environmental scenarios: a new scenario typology	روش شناسی
۸	۲۰۱۱	تارتورین	Classifications of foresight methods	روش شناسی
۹	۲۰۱۳	عامر و دیم	A review of scenario planning.	مرور ادبیات
۱۰	۲۰۱۴	رامیرز و ویلیکینسون	Rethinking the 2x2 scenario method: Grid or frames?	طرح؛ محتوا و مسئله مقیاس

آن گونه که مشخص است، تحقیقات پیشین در حوزه رویکردهای سناریونگاری (مثلا فن نوتن، هاینز و بیشاپ، بورجسون و...) و همچنین مکاتب سناریونگاری (چرماک، رینگلند و...) از سطح متدولوژی فراتر نرفته و لایه های عمیق تر سناریوپردازی را واکاوی نکرده‌اند. حال آنکه نهایت دستاورد و ظرفیت تحقیق مکاتب سناریونگاری در سطح و بافت متدولوژی رسیدن به پاسخ پرسش‌های کاربردی ذیل است (eg. See: Amer & Daim, 2013):

(۱) چگونگی انتخاب سناریو

(۲) تعداد مناسب سناریوها

(۳) اعتبارسنجی سناریوها

مع الوصف دستاوردهای سه گانه فوق به تنهایی نمی توانند پاسخگوی نیازهای متعدد محققان امروز باشند (که در فضائی پلورالیستی فعالیت می‌کنند) و به تعبیری ما با فقر مباحث نظری درباره سناریو مواجه هستیم. از جمله این پرسش در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است که

۱- اشاره: تمامی جداول و نمودارها در مقاله حاضر پژوهش تفصیلی محققان (نویسندگان مقاله) بوده و اقتباسی نیستند.

مکتب چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ حاصل آنکه با وجود اینکه سناریونگاری تنها بخشی از آینده‌پژوهی است که از برخی رویکردها و جریان‌های آن با تعبیر (مکتب)^۱ یاد شده است؛ مع الوصف هنوز درباره چارچوب دقیق «مکتب سناریونگاری» و الزامات آن چندان تحقیقی صورت نگرفته است و نقاط تشابه و تمایز مکاتب در سطوح فراتر از متدولوژی مورد بحث قرار نگرفته است. در صورت قبول این مسئله به عنوان موضوع کانونی پژوهش، سه پرسش مقدماتی طرح می‌گردد تا (مسئله پژوهش) به طور دقیق تبیین گردد: اول - سطوح فراتر از متدولوژی که در بررسی مکاتب محل تحقیق قرار گیرند چه هستند؟ دوم - روش مناسب در تحقیق چه خواهد بود؟ سوم - کدام رویکردها به مثابه مکتب، گزینه‌های مناسب موردکاوی در تحقیق خواهند بود؟

در پاسخ پرسش اول می‌توان از سطوح معنایی متداول در مباحث فلسفی بهره جست. البته این سطوح معنایی اجمالا در آثار متفکرین آینده‌پژوهی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال *وندل بل* در (مبانی آینده‌پژوهی) (۲۰۰۵)؛ *سهیل عنایت‌الله* در (پرسش از آینده) (۲۰۰۷) و *ریچارد اسلاتر* در (بنیان دانش آینده‌پژوهی) (۲۰۱۰) بر ضرورت توسعه مطالعات آینده‌پژوهی در سطوح معنایی بالاتر معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی تأکید داشته‌اند.

رهیافت دیگر برای انتخاب سطوح معنایی بالاتر، توجه به ماهیت «مکتب» و چارچوب‌هایی است که ما را در شناخت بهتر مکتب یاری رساند. اگرچه مفهوم «مکتب» اصطلاحی سهل و ممتنع است و اغلب به صورت مضاف در ترکیب با مکاتب خاص بررسی شده است اما از انتزاع مباحث پیرامون مکاتب (به صورت مضاف) در دانش‌های گوناگونی چون علوم اجتماعی و مدیریت مشخص می‌شود که مباحث تبارشناسی و ترمینولوژی در معرفی مکاتب بسیار مورد توجه بوده است. لذا در مجموع به نظر می‌رسد به لحاظ استقرایی می‌توانیم در حال حاضر سطوح تبارشناسی، ترمینولوژی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی را در بررسی مکاتب مطرح نظر داشته باشیم و البته تحقیقات آتی می‌توانند بسته به نیاز سطوح دیگری را واکاوی نمایند.

پرسش دوم ناظر به روش منتخب تحقیق است که در بخش روش مقاله به تفصیل بررسی خواهد شد؛ مع الوصف نکته قابل ذکر آن است که با توجه به سطح و میزان بلوغ دانشی و ادبیات تولید شده در موضوع «مکاتب سناریونگاری» و فقر نظریه‌پردازی در این حوزه، هنوز نیازمند بررسی مجزای مکاتب موجود هستیم تا سپس از خلال بررسی و موردکاوی‌ها به مرحله ارائه نظریه ورود نماییم. لذا قطعاً هرگونه تحقیقی در این حوزه هنوز بایستی به مطالعه تفصیلی مکتب‌های خاص و موردکاوی‌ها پردازد. از این واقعیت به پرسش سوم می‌رسیم: کدام مکاتب را انتخاب نماییم؟

به نظر می‌رسد برای انتخاب مکاتب بهترین گزینه‌ها مواردی باشند که اولاً اتفاق نظر در مکتب دانستن آن‌ها وجود داشته باشد و ثانیاً بهترین زوایای ماهیت مکتب را از بررسی آن‌ها به دست آورد. مرور ادبیات این حوزه نشان می‌دهد که دو مکتب شل (ریشه‌دار در جهان انگلیسی زبان) و لاپراسپکتیو (ریشه‌دار در جهان فرانسوی زبان) را سه ویژه به لحاظ تواتر، تصریح محققان و تمرکز بر آن‌ها- می‌توان مهم‌ترین مکاتب در این حوزه دانست. در اهمیت مکتب شل همین بس که از مجموع ده رویکرد سناریونگاری که چرماک به عنوان مکاتب موجود نام می‌برد، چهار رویکرد (GBN؛ ویلسون و رالستون؛ لیندگرن و باند هولد؛ DSI) مستقیماً منشعب از آن هستند. درباب پراسپکتیو هم علاوه بر توجه ویژه به آن در متون آینده‌پژوهی، رسوخ کامل آن در جهان آینده‌پژوهی غیرانگلیسی زبان و سابقه تاریخی‌اش می‌تواند مؤلفه‌های تأثیرگذار برای انتخاب تلقی گردد.

از مجموع آنچه گذشت می‌توان مسئله پژوهش حاضر را بدین سان تبیین کرد: مبانی و مفروضات دو مکتب اصلی سناریونگاری آینده‌پژوهی یعنی لاپراسپکتیو (مکتب فرانسوی) و مکتب شل (انگلیسی) چیست؟ و از مقایسه آن‌ها چه چیزی درباب مکاتب آینده‌پژوهی می‌آموزیم؟

آن گونه که اشاره شد اهمیت این مقایسه اولاً در واکاوی زوایای مختلف مکاتب آینده‌پژوهی است که با توجه به بیش‌ترین اشتراک و افتراق این دو مکتب از هم به دست خواهد آمد (به تعبیر دیگر بیش‌ترین مؤلفه‌های سازنده مکتب استخراج خواهد شد) و ثانیاً مقایسه دو مکتب مؤلفه‌های سازنده مکاتب را بهتر مشخص می‌کند و از خلال آن می‌توان به چارچوب نظری قابل تعمیم برای بررسی‌های بیشتر نیز دست یافت.

به طور اجمالی مکتب شل جریانی در سناریونگاری است که با فعالیت جمعی از خبرگان در دهه ۱۹۶۰ میلادی در شرکت نفتی رویال داچ شل پا گرفت و توانست سه بحران نفتی عمده حاصل از جنگ اعراب و اسرائیل، انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی شوروی را به صورت پیش‌دستانه‌ای دورنگری نموده و شل را به غول نفتی تبدیل کند. مهم‌ترین متفکران آن پیر واک؛ پیتر شوآرتز و کیس وندر هیدن هستند که می‌توانند به عنوان نسل‌های متوالی بنیان‌گذار؛ تثبیت‌کننده و توسعه‌دهنده مکتب معرفی شوند (تفصیل این بحث در نتایج مقاله خواهد آمد). در حال حاضر جوهره سناریونگاری در شل که حاصل سیر تکاملی و انباشت دانش در نسل‌های متوالی از دهه ۱۹۷۰ م. تاکنون است، عبارتست از: ابزاری برای نظم بخشیدن به دریافت‌های ذهنی پیرامون محیط آینده‌های بدیل که اقدامات در آن‌ها اجرا می‌شود. بدین منظور ابتدا موضوع/مسئله اصلی شناسائی و سپس نیروهای کلیدی در محیط موضوع واکاوی می‌شوند تا ایضاح کافی در باب مسئله و محیط حاصل شود. در گام سوم نیروهای پیشران در محیط کلان (که در ورای عوامل

کلیدی هستند) با سازوکار ذهن‌انگیزی شناسائی می‌شوند. سپس رتبه‌بندی عوامل براساس معیارهای اهمیت و عدم قطعیت انجام می‌گیرد و آن گاه گزینش و توسعه منطق سناریوها بر مبنای آن‌ها صورت می‌پذیرد. در گام ششم تلاش می‌شود تا داستان پردازی مشروحي برای سناریوها براساس بازبینی ویژگی‌های به دست آمده برای عوامل و نیروها در گام‌های قبل و با در نظر داشتن معیار «باورپذیری» صورت گیرد. گام هفتم با سنجش تصمیمات و اقدامات در فضای سناریوها پی گرفته می‌شود. و نهایتاً با معرفی نشانگرها و خطوط راهنمای هر سناریو کار (یک سیکل سناریو) پایان می‌پذیرد (Chermack, 2011; Schwartz, 1996).

مکتب لاپراسپکتیو نحله آینده نگاری فرانسوی زبان است که عمده جریان‌های آینده‌پژوهی در قاره اروپا را تحت تأثیر قرار داده و خود متأثر از اندیشه‌های متفکران فرانسوی چون گاستون برگر^۱ است. بنیان آن را به تشکیل مرکز بین‌المللی آینده نگاری راهبردی (لاپراسپکتیو)^۲ در سال ۱۹۵۶ به همت برگر، پیر ماس و دیگران باز می‌گردانند که با میشل گوده به اوج خود رسیده است (Godet, 1986). روش‌های تحلیل ساختاری و نرم افزارهایی چون میک ماک از دستاوردهای لاپراسپکتیو بوده‌اند. لاپراسپکتیو هدف خود را دیدن اکنون از دریچه آینده می‌انگارد. به تعبیر دیگر تلاش می‌شود تا با در نظر گرفتن آینده‌های ممکن و مطلوب، از طریق سناریوها واقعیتی از آینده ترسیم شود که چراغ راه اقدامات امروز باشد.

در پراسپکتیو دو وجه سناریوها مورد بررسی قرار می‌گیرد: اول سناریوهای موقعیت^۳ که متولی شرح آینده‌اند و دوم سناریوهای توسعه^۴ که آثار اقدامات را بیان می‌کنند. سناریوهای پراسپکتیو مبتنی بر تحلیل ساختاری و در سه گام مطالعه متغیرهای درونی و بیرونی؛ پوشش دامنه‌ای از احتمالات جهت شناسائی عدم قطعیت‌ها و نهایتاً توسعه سناریوها پیگیری می‌شوند. نقطه قوت پراسپکتیو در توسعه جعبه ابزار نرم‌افزاری مبتنی بر تحلیل ساختاری است (Godet, 1991) آن گونه که اشاره شد، مسئله پژوهش حاضر بررسی تطبیقی دو مکتب سناریونگاری لاپراسپکتیو و شل است و ابعاد آن، مسائل معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، تاریخی، تبارشناختی و ترمینولوژی را در بر خواهد گرفت و به ارائه یک چارچوب و الگوی تطبیقی / مقایسه‌ای نیز خواهد انجامید.

1- Gaston Berger (1896-1960) - نماینده دولت وقت فرانسه در تشکیل یونسکو

2- Centre International de Prospective (Fr.)

3- Situational

4- Developmental

روش‌شناسی

روش برگزیده ما مطالعه تطبیقی مبتنی بر مرور ادبیات، تحلیل تاریخی، تحلیل گفتمان و تحلیل چارچوب است. در تعریفی ساده، مطالعات تطبیقی (Comparative Studies) را آن دسته از پژوهش‌ها می‌دانند که در آن محقق به مقایسه دو یا چند پدیده (Phenomenon) یا مفهوم (Concept) در دو بافت (Context) متفاوت و وجوه شباهت و تفاوت؛ قوت و ضعف و... آن‌ها بپردازد. بدیهی است که با توجه به گستردگی و تنوع مفاهیم در رشته‌های مختلف و وجود بافت‌های گوناگون، این دست مطالعات می‌توانند بسیار متنوع باشند؛ مع الوصف در اصل موضوعه ابتدای بر مقایسه مشترکند (Campbell, 1988).

در این مقاله ما خود را از جغرافیای مکاتب به شل و پراسپکتیو و در زمان به نیمه دوم قرن بیستم (به ویژه از ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ م.) محدود ساخته‌ایم. در توجیه این محدود ساختن تحقیق لازم به اشاره است که شل و پراسپکتیو علاوه بر این که دارای بیش‌ترین اهمیت در میان مکاتب سناریونگاری هستند؛ بیش‌ترین تمایز را نیز از یکدیگر دارند لذا برای تحلیل تطبیقی مناسب‌ترین گزینه‌ها خواهند بود و همچنین در برهه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ آنچه شکل شناخته شده فعلی مکاتب و تثبیت شده آن‌هاست به دست آمده است و نسل‌ها و نمایندگان آن‌ها مشخص هستند، حال آن که هنوز فاصله لازم از نسل‌های متأخر مکاتب (قرن ۲۱) حاصل نشده تا بتوان قضاوت متقنی در باب آن‌ها داشت.

فضای مقاله حاضر بافتاری است که هرکدام از مکاتب دوگانه ذکر شده در آن نمو یافته‌اند لذا با یک محیط تکامل تاریخی؛ تلاش هائی برای حل دغدغه‌های اجتماعی - فناوری - سیاسی و افرادی که در این حرکت سهیم بوده‌اند و موجب بلوغ این جریان‌ها شده‌اند مواجهیم. برهه‌های تاریخی خاصی پس از جنگ دوم جهانی و دوران تلاقی مدرنیته با جهان پسامدرن که بعضاً توسط *وندل بل*، *سهیل عنایت‌الله* و دیگرانی فضای آن ترسیم شده است و جوهره آن ورود به عصر دانائی، مسائل جهانی و نیاز به برنامه‌ریزی بر مبنای عدم قطعیت‌هاست (Bell, 2005).

نحوه ورود مقاله حاضر به فضای توصیف شده فوق در گام اول از طریق تحقیقات تاریخی و تکاملی و مطالعات کتابخانه‌ای ناظر به فهم چگونگی شکل‌گیری مکاتب دوگانه سناریونگاری و سپس شناسائی افراد و آثار کلیدی و پژوهش‌ها و دستاوردهای مهم آن‌ها بوده است. به تعبیر دیگر ما «تحلیل تطبیقی» را یک رویکرد^۱ با گام‌های (۱) توصیف (۲) مقایسه و (۳) نتیجه‌گیری در نظر گرفته‌ایم و ذیل هر گام از روش‌ها و تکنیک‌هایی استفاده کرده‌ایم. در گام توصیف از تحلیل تاریخی و تحلیل گفتمانی و در گام مقایسه از تحلیل چارچوبی استفاده کردیم. در گام

نتیجه‌گیری نیز به ارائه الگوهای تبارشناسی و مقایسه‌ای و تدقیق و تطبیق حوزه‌های معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و ترمینولوژی مکاتب پرداختیم.

با توجه به اینکه تحلیل گفتمان یکی از اجزای اصلی متدولوژی حاضر می‌باشد لذا توضیح اجمالی در خصوص آن لازم است. تحلیل گفتمان، ریشه در تلاش‌های معناکاوانه دارد. رویکردی تلفیقی و بین‌رشته‌ای است که سعی دارد از توان رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و غیره برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی سود جوید. تعریف مقبول و کاربردی از گفتمان که در پژوهش حاضر نیز پذیرفته شده است، متأثر از لاکلاو^۱ و موفه^۲ می‌باشد که اغلب با عنوان "رهیافت فرهنگی-انتقادی گفتمان" و یا "نظریه گفتمان"^۳ شناخته می‌شود. مزیت و جهت انتخاب "نظریه گفتمان" لاکلاو و موف در توجه ایشان به الگوهای عام و فراگیر است. در این نظریه، تحلیل گفتمان از طریق واکاوی نهادهای مولد معنا و سازوکار بازتولید آن به تحلیل شرایط تولید معنا می‌پردازد. "نظریه گفتمان" نسبت به دیگر اقسام تحلیل گفتمانی در دو مورد توان‌مندی بیشتری دارد، اول هنگامی که به بررسی نزاع گفتمان‌های رقیب برای تثبیت جایگاه خود پرداخته می‌شود و دوم هنگامی که یک گفتمان در طول زمان در حال تکامل و بسط خود باشد؛ به عبارتی هنگامی که بررسی دینامیک - و نه ایستا و در برهه خاص از زمان - مدنظر باشد، در مقام پیاده‌سازی و اجرای نظریه گفتمان تعیین دال مرکزی، دال‌های شناور و تدقیق در مفصل‌بندی گفتمانی^۴ لازم است (Jorgensen & Philips, 2002; Laclau & Mouffe, 2001).

نتایج (اجرای روش پژوهش)

در ارائه نتایج مقاله نیز ترتیب منطقی اشاره شده در روش‌شناسی را پی خواهیم گرفت و ابتدا به بررسی سازوکار تاریخی شکل‌گیری مکاتب و نسل‌های آن‌ها خواهیم پرداخت. سپس گفتمانی که توسعه داده‌اند و مفاهیم مبنایی آن‌ها را ارائه خواهیم داد و نهایتاً هم به مقایسه آن‌ها در قالب چارچوب‌های ترمینولوژی، روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و... خواهیم پرداخت.

1- Ernesto Laclau (1935-2014)

2- Chantal Mouffe (1943-)

3- Cultural-Critical Discourse Approach' or 'Discourse Theory'

4- Nodal point' and 'Elements' and 'Discourse Articulation'

تکامل تاریخی مکاتب سناریونگاری

در اولین گام از تحلیل تطبیقی دو مکتب لازم است تا نشان دهیم این دو چگونه شکل گرفته‌اند و چگونه گفتمان خود را ایجاد و در قالب یک مکتب تثبیت کرده‌اند. دو عنصر اصلی، سیر تکامل تاریخی یک مکتب را شکل می‌دهد:

اول- شکل‌گیری و استمرار روابط استاد و شاگردی (و یا ارتباطاتی با این ماهیت)

دوم- نقاط عطفی که بتوان دوره‌های زمانی مختلف را نسل‌های یک مکتب دانست.

بر این مبنا و با بررسی تاریخچه مکتب شل می‌توانیم نسل‌های ذیل را شناسایی نمائیم:

آباء مکتب شل - تد نیولند، آریه دو گیوس و پیر واک - پیش از دهه ۷۰ میلادی دغدغه برنامه‌ریزی بلند مدت در شل شکل گرفت و آباء شل ابزار سناریو را به این منظور بسط دادند (Wack, 1985; De Geus, 1988; Shell, 2012).

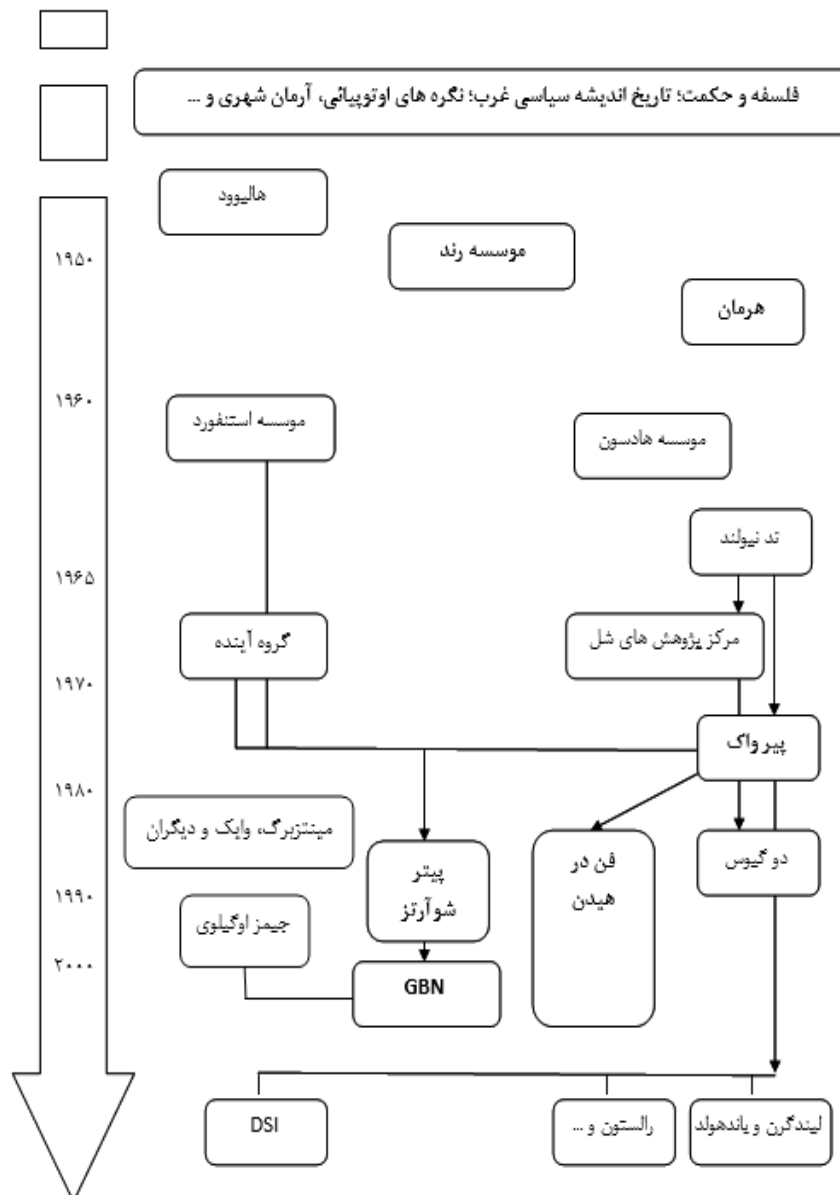
سطحی از بلوغ دانش و توان مندی که نسل اول به رهبری واک در دهه ۱۹۷۰ م. به آن دست یافتند (جلوگیری از غافلگیری) با استفاده از سناریوها بود. آن‌ها توانستند جایگاه (تفکر سناریویی) را به عنوان فرهنگ سازمانی سه‌ویژه نزد مدیران ارشد-شل تثبیت نمایند. نماینده اندیشه این دوره (هنر ظریف درک مجدد) اثر پیر واک است. آن گونه که از عنوان کتاب هم مشخص است، (درک مجدد) شعار اصلی و تغییر در مدل‌های ذهنی هدف نسل اول محسوب می‌شود (Wack, 1985.b).

نسل دوم به رهبری پیتر شوآرتز در دهه ۱۹۸۰ م. به توسعه تکنیکی و بهبود و ارتقاء روش سناریونگاری پرداختند. در این برهه زمانی بود که مفهوم (منطق شهودی) مورد توجه قرار گرفت. (محیط شناسی)، توانمندی بود که در این دوره شکل گرفت. (هنر دورنگری) کتاب شوآرتز نماینده بلوغ دانش سناریونگاری شل در انتهای این نسل است. دورنگری جوهره اکتشاف آینده را به صورتی کل‌نگرانه در خود دارد (Schwartz, 1996; 2000).

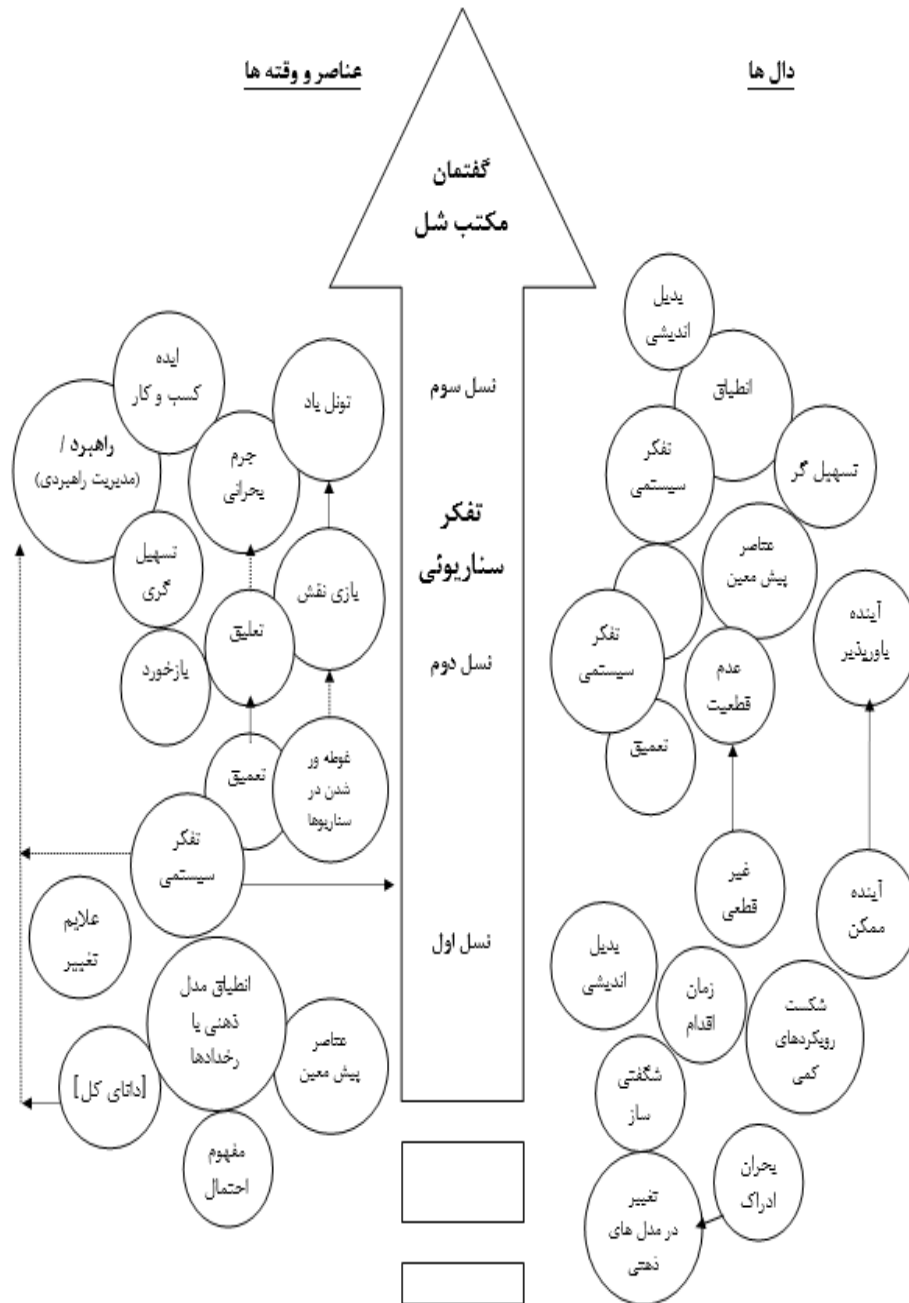
مسئله **نسل سوم**، چگونگی تلفیق متناسب و متوازن میان اکتشاف و راهبرد (و به تعبیری توصیف و تجویز) بود. در این دوره (دهه ۱۹۹۰ م.) کیس فن در هیدن سکان رهبری سناریونگاری شل را به دست گرفت. (هنر گفتگوی راهبردی) اثر فن در هیدن نماینده تلاش‌های این دوره است (Van der Heijden, 1996; 2011).

تحلیل گفتمانی سیر تکامل تاریخی مذکور (از دهه ۱۹۶۰ م. تا ابتدای قرن بیست و یکم) شکل‌گیری دال مرکزی (تفکر سناریویی) را نشان می‌دهد.

سیر تکامل تاریخی و توالی نسل‌های شل و همچنین تحول دال‌های گفتمانی آن در طول نسل‌های مذکور را می‌توانیم مطابق تصاویر ذیل ترسیم نمائیم.



نمودار ۱- ریشه ها و سیر اندیشه تکاملی سناریونگاری در شل / جهان انگلیسی زبان.



نمودار ۲- نمایه وضعیت دال ها در سیر تکاملی مکتب شل (شناور، در حال گذار و تثبیت شده).

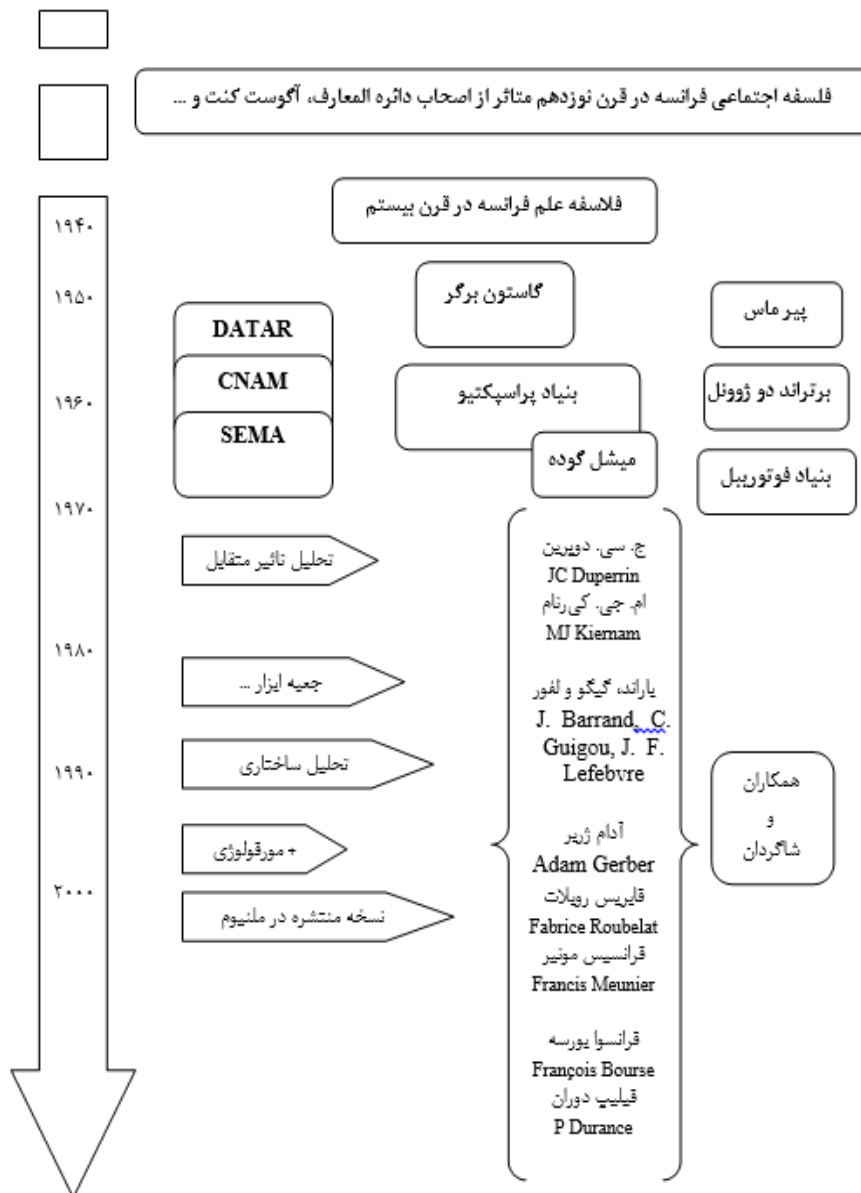
توضیح نمودار ۱: سیر تاریخی مشتمل بر نمایه اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان عناصر سازنده مکتب است که تقدم ایشان از بالا به پائین می‌باشد. پیکان‌ها نشان‌دهنده وجود ارتباط مستقیم در قالب همکاری (اشخاص حقیقی در یک نسل)؛ استاد و شاگردی (در اشخاص حقیقی بین نسلی) و مؤسس یا همکار اصلی (بین اشخاص حقیقی و حقوقی) است.

توضیح نمودار ۲: سیر تطور وضعیت دال‌ها در تکامل نسل‌های مکتب شل است. سیر تاریخی نسل‌های پیاپی در مرکز نمودار و عناصر مستخرج از تحلیل گفتمان هر نسل در دو طرف آن نسل آورده شده است. عناصر سمت راست محور، دال‌های تثبیت شده در هر نسل و عناصر سمت چپ، وقته‌ها یا عناصر در حال گذار هستند. پیکان‌های میان عناصر حاکی از استمرار ارتباط بین مؤلفه‌های خاص در نگاه تکاملی می‌باشند. دایره‌ها به میزان نزدیکی به هر نسل در محور مرکزی نشان از قرابت مؤلفه مذکور با همان نسل دارند. بزرگ و کوچک بودن دایره‌ها نیز به طور تقریبی حاکی از میزان اهمیت عنصر مذکور در بازه زمانی (براساس میزان تکرار در ادبیات و منابع کلاسیک بررسی شده) دارد و نزدیکی دوایر به یکدیگر نیز تاحدودی نشان از پیوستگی مفهومی مؤلفه‌ها دارد.

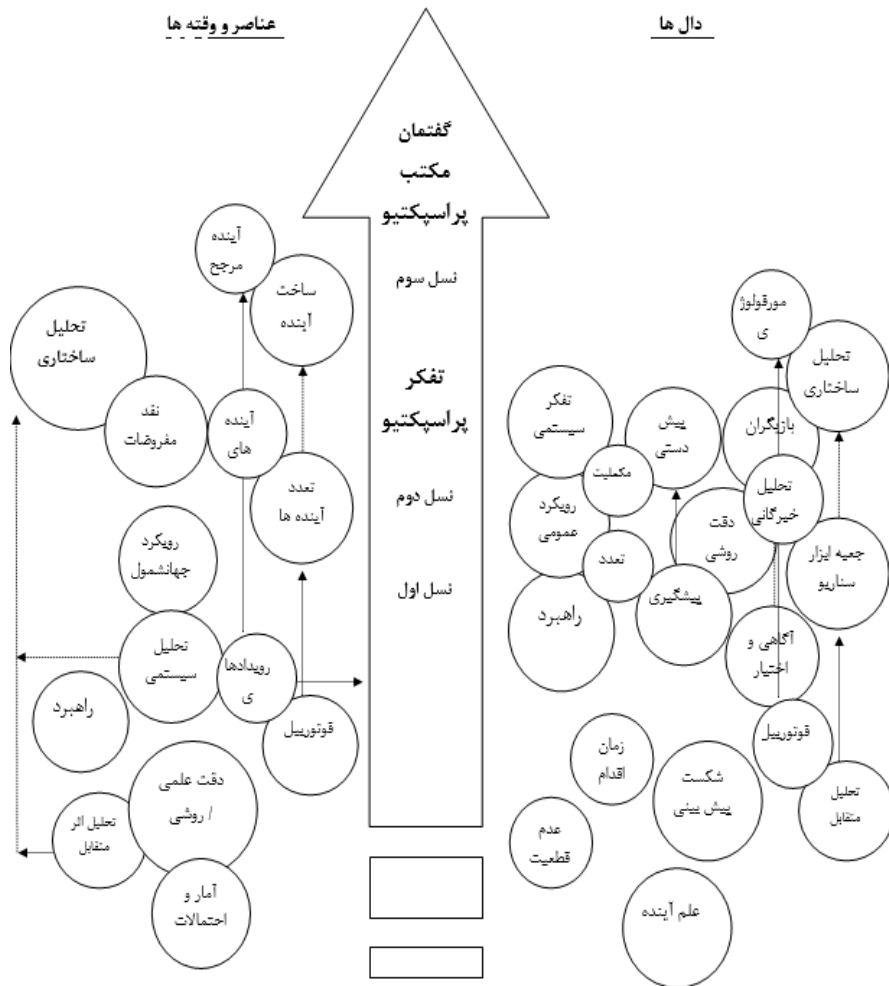
پراسپکتیو^۱ در فرهنگ فرانسه لاروس، به معنای نگرستن به آینده است. بنیان پراسپکتیو را در اندیشه‌های گاستون برگر برای تحقق جامعه‌ای بهتر در آینده می‌دانند. شاگردان برگر آرمان‌های او را به انحاء گوناگون پی گرفتند که یکی از تجلیات آن مکتب آینده نگاری پراسپکتیو است. پراسپکتیو پس از وفات برگر و جدایی برترند دو ژوونل (و تاسیس بنیاد ژوونل به طور مستقل) از آن با گوده به حیات خود ادامه داد. به رغم مکتب شل که در آن توالی نسل‌ها به خوبی قابل تشخیص است؛ در پراسپکتیو به دلایل متعدد، نمی‌توان براساس افراد (اشخاص حقیقی) نسل‌های مکتب را مجزا نمود. نبودن نهاد حمایت‌کننده مستقل و عدم تمرکز مجموعه، یکی از دلایل عمده است و دلیل دیگر حضور پررنگ و مستمر میشل گوده در طول چهل سال گذشته در پراسپکتیو است. به نحوی که امروزه پراسپکتیو با نام میشل گوده عجین شده است. محققان بسیاری در طول این چهار دهه با پراسپکتیو و گوده همکاری داشته‌اند و هر کدام در ارتقاء آن نقشی ایفا کرده‌اند. این افراد و بسیاری دیگر پس از فراگیری آموزه‌های پراسپکتیو، در سراسر دنیا به فعالیت‌های آینده‌نگاری اشتغال دارند. اما به عنوان افراد و نسل‌های پراسپکتیو شناخته نمی‌شوند. لذا بهتر آن است که معیار تمایزگذاری میان نسل‌های پراسپکتیو را نه افراد بلکه ارتقاء و تکامل جعبه ابزار پیشرفته پراسپکتیو قرار دهیم. این دوران با آزمون و خطا و بازخورد و در تلاش مستمر برای کسب مشروعیت و حمایت برای پراسپکتیو گذشته است که می‌توان -به ویژه بر اساس آثار منتشر شده از گوده- نسل‌های ذیل را برای آن در نظر گرفت.

1- Prospectif (fr) = Prospective (en). ریشه لغت در زبان لاتین است.

نسل اول - تکامل در روش های پیشین (دهه ۱۹۷۰ م.)
 نسل دوم - توجه به ملاحظات معرفت شناسی و فلسفی (دهه ۱۹۸۰ م.)
 نسل سوم - انسجام پراسپکتیو در قالب مکتب (دهه ۱۹۹۰ م.)
 مهم‌ترین اثر این دوران ترجمه انگلیسی کتاب "از پیش‌نگری تا اقدام: راهنمای آینده‌نگاری راهبردی"^۱ است. همچنین در اواسط دهه ۱۹۹۰ جعبه ابزار سناریونگاری پراسپکتیو تقریباً صورت نهایی خود را می‌گیرد و مشتمل بر کاربرست روش‌های ذیل است:
تحلیل ساختاری: مشخص کردن پرسش‌های کلیدی مربوط به آینده
تحلیل بازیگران: مشخص کردن بازیگران درگیر، میزان نفوذ آن‌ها و برقرار کردن روابط میان آن‌ها
تحلیل مورفولوژی: توجه به کل گستره امکان‌ها و ساختن سناریوها
تحلیل کارشناسان / خبرگان (مانند روش دلفی و چرتکه / آباکوس): برای مشخص کردن احتمالات و کاستن از عدم قطعیت
تحلیل چندمعیاره: مشخص کردن و ارزیابی گزینه‌های راهبردی
 با پایان کتاب راهنما، سیر تکامل پراسپکتیو تا جایگاهی که بتوان به آن اتلاق «مکتب» نمود نیز به انجام می‌رسد و به لحاظ روش شناختی و معرفت شناختی وضعیتی انسجام یافته و تثبیت شده می‌یابد. سیر تکامل تاریخی و توالی نسل‌های پراسپکتیو و همچنین تحول دال‌های گفتمانی آن در طول نسل‌های مذکور را می‌توانیم مطابق نمودار ذیل ترسیم نمائیم.



نمودار ۳- ریشه ها و سیر اندیشه تکاملی سناریونگاری در مکتب پراسپکتیو.



نمودار ۴- نمایه وضعیت دال ها در سیر تکاملی مکتب پراسپکتیو (شناور، در حال گذار و تثبیت شده).

مقایسه مکاتب سناریونگاری شل و پراسپکتیو

اهم وجوه تشابه مکاتب شل و پراسپکتیو

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقطه اشتراک دو مکتب اصلی سناریونگاری در این دیدگاه باشد که برنامه‌ریزی سناریوئی رهیافتی است برای تأثیرگذاری در فرآیند کلان مذاکره، راهبردسازی و اقدام. همچنین هر دو مکتب تقسیم‌بندی تقریباً یکسانی درباره اشکال مواجهه و ورود به آینده دارند. دسته‌بندی شایع در این مبحث را به گونه نسبت می‌دهند. براساس ادبیات پراسپکتیو درخصوص اقسام مواجهه با آینده: رویکردهای منفعل، فعال، تمهیداندیش و پیش‌دستانه/دسیسه‌گر وجود دارد^۱ اصل مشارکت [جویی] نیز دیگر جوهره مشترک شل و پراسپکتیو است. شوآرتز در این خصوص می‌نویسد: وقتی سناریوهای خوبی دارید که کسانی که سناریوها را می‌سازند، احساس مالکیت آن‌ها را داشته و آن‌ها را به کار ببرند، سناریوسازی کاری به شدت مشارکتی و اشتراکی بوده و در غیر این صورت کل فرآیند شکست خواهد خورد [Schwarz, 1991: 200]. نهایتاً به نظر می‌رسد بایستی به این واقعیت اذعان نمائیم که هر دو مکتب با وجود علایق اجتماعی در نسل‌های ابتدایی، در روند تکاملی خود به عللی که نیازمند بررسی تفصیلی است -از جمله ضرورت‌ها و اقتضائات بافتار، نیازها و علایق مشتریان و...- به حوزه راهبرد نزدیک شده‌اند که طنین آن در عناوین آثار متأخر آن‌ها -هنر گفتگوی راهبردی و آینده‌نگاری راهبردی- مشهود است.

وجوه تمایز مکاتب شل و پراسپکتیو

تمایز تبارشناسی

درخصوص تمایزهای دو مکتب به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته و شاید منشاء تفاوت‌های دو مکتب را بایستی در بافتار و فضای شکل‌گیری این دو جست‌وجو نمائیم. بافتار رشد و تکامل سناریونگاری شل، فضای کسب و کار بوده است؛ حال آن که پراسپکتیو در بافت سیاستگذاری تولد و بلوغ یافته است. واقعیت‌های حاشیه‌ای دیگری نیز در این دو فضا وجود داشته است که در شکل‌گیری دو مکتب با ویژگی‌های کنونی‌شان بی‌تأثیر نبوده‌اند. سناریونگاران شل همواره از حمایت مدیران ارشد برخوردار بوده‌اند حال آن که سناریونگاران پراسپکتیو تقریباً همواره از چنین رغبت و پشتیبانی در فضای سیاستگذاری (لااقل در مهد خود فرانسه) محروم بوده‌اند. اهم نقاط تشابه و تفاوت دو مکتب در حوزه تبارشناسی را می‌توانیم در جدول ذیل خلاصه نمائیم.

۱- مواجهه منفعل (Passive) مواجهه تدافعی (Reactive) مواجهه با تدبیر (Proactive) مواجهه پیش‌دستانه (Proactive)

جدول ۲- مقایسه تطبیقی تبارشناسی و ترمینولوژی دو مکتب

سطح	مقوله	تشابه یا تفاوت	شل	پراسپکتیو	
تبارشناسی	فلسفه علم و منطق پشتیبان	X	فهم عرفی و شهودگرایی	ساختگرایی	
			رفتارگرایی و روان‌شناسی رشد	[آندراگوزی]	
	نگره اجتماعی	X	اصالت فرد / سودگرایی	اصالت جامعه	
			فایده‌باوری میل و اسمیت	دغدغه‌های جهانی ایده‌آلیستی	
	الگوهای اولیه	✓	RAND	RAND	RAND
		X		DATAR	DATAR
	افراد شاخص	✓	هرمان کاهن		
X		گورجیف، والر، واک	گاستون برگر		
مقایسه ترمینولوژی	عدم قطعیت	✓	مهم‌ترین خواستگاه ضرورت آینده‌پژوهی ...		
	زبان غالب	X	انگلیسی	فرانسوی	
	نظام نشانه‌شناختی	---	نشانه‌شناسی اجتماعی	نشانه‌شناسی زبانی	
	جغرافیای غالب	---	جهان‌آنگلوساکسون	جهان لاتین و اروپای قاره‌ای	
	ادبیات	X	فضای کسب و کار	حوزه سیاستگذاری	
	اصل	X	برانگیزاننده بودن مفاهیم	دقت مفاهیم	
	سناریو	---	بیان رویدادها	توالی منطقی رویدادها	

تمایز روش‌شناسی

در پرتو تمایز در بافتار، احتمالاً می‌توان برخی تمایزهای کلیدی دیگر میان دو مکتب را نیز تفسیر کرد که در زمره آن‌ها سناریوی خروجی آرمانی معرفی شده در دو مکتب است. در حالی که تأکید مکتب شل ارائه سناریوهای منحصر به فرد است، در پراسپکتیو به دنبال تکامل روش‌شناختی برای ارائه سناریوهای پابرجا و ماندگار و بسته‌های سیاستی/تجویزی عام در فضای کلان سیاستگذاری هستیم. همچنین بافتار^۱ کسب و کار در سناریونگاری شل در مقابل بافتار سیاستگذاری در پراسپکتیو تا حدودی چرایی تقدم اکتشاف بر هنجار را در تقابل این دو مکتب نیز توجیه می‌نماید. به همین ترتیب عناصر شکل‌دهنده محیط سناریوها نیز در دو مکتب تفاوت‌هایی دارد. در حالی که پیشنهاد فن در هیدن آن است که قواعد بازی در بافتار سناریوها از طریق مدل ۵ نیروی پورتر تبیین شود [Van der Hijden, 1996]؛ نگاه گوده در این خصوص بازتر است. اما قطعاً مشهودترین وجه تمایز روش‌شناختی میان دو مکتب در منطق پشتیبان

سناریوهاست. در حالی که منطق شهودی چندان فضای منظم و منسجمی را فرا روی مخاطب نمی‌گذارد و نسخه نهایی در سناریوهای شل از هر دری سخنی می‌گویند؛ ساخت‌گرایی پراسپکتیو، منطقی مشخص را تدارک می‌بیند. همچنین از منظری دیگر، صورت‌بندی طرح‌ها یا منطق‌های سناریو در شل به سمت تطبیق یافتن با محیط متمایل است. این همان رویکردی است که گوده از آن با نام انفعالی نام می‌برد. در نگاه کلی‌تر می‌توانیم مدعی شویم رویکرد غالب در سناریوهای شل اکتشافی و در پراسپکتیو هنجاری است. به منظور تحلیل فضای گفتمانی نیز در شل (کسب و کار) تحلیل رقبا و استراتژی‌های رقابتی و در پراسپکتیو (سیاستگذاری) تحلیل ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی اهمیت یافته است. توان تفسیری رویکرد منطق شهودی شل نیز در مقایسه با پراسپکتیو کم‌تر است؛ در شل - و بیش از آن در GBN - سازوکار ایجاد فهم، مشارکت دادن دیدگاه‌های گوناگون در یک فرآیند گفتگو است. [ibid] نکته مهم دیگر تمایز در بانک اطلاعاتی و رویکردهای گردآوری و استفاده از داده‌هاست. در حالی که پراسپکتیو به طرز وسواس‌گونه به تنظیم و تنسيق داده‌ها می‌پردازد در شل هیچ الگوریتم خاصی در این باره وجود ندارد و به تعبیری داده‌ها شکار می‌شوند.

از جمله دیگر تمایزات بنیادین، نگاه کلی به فضای آینده و استراتژی ورود به آینده است. در حالیکه شل، نگاه خوش‌بینانه به آینده و راهبرد استفاده حداکثری از فرصت‌ها را که متناسب با فضای کسب و کار است ترویج می‌کند؛ پراسپکتیو با توجه به نزدیکی به حوزه سیاستگذاری و تاحدودی نیز حوزه عمومی، نگاهی اگر نگوئیم بدبینانه، محتاطانه به آینده دارد و رویکرد پیشگیری را برجسته می‌سازد.

اهم نقاط تشابه و تفاوت دو مکتب در حوزه روش‌شناسی را می‌توانیم مطابق جدول ذیل خلاصه نمائیم.

جدول ۳- مقایسه تطبیقی عناصر روش‌شناسی دو مکتب سناریونگاری

سطح	مقوله	تشابه یا تفاوت	شل	پراسپکتیو	
روش‌شناسی	اصل	---	اهمیت مشاهده درست	اهمیت منطق درست	
		✓	سادگی روش‌ها / ترکیب روش‌های مکمل		
	چارچوب	---	----	وجود چارچوب عام	
	رویکرد	---	اکتشافی	هنجاری	
	منطق دهی	---	توسعه سناریوها رو به بیرون (مبتنی بر ارائه شواهد)	توسعه سناریوها بر اساس منطق درونی	
	اولویت روش‌ها	---	روش‌های کیفی	روش‌های کمی	
	کارگاه	---	---	قبول اهمیت و جایگاه روش کارگاه در سناریونگاری	
				کارگاه	پانل خبرگان

ارائه معیار و سنجه احتمال	تأکید بر مساوی ساختن احتمالات [براساس وجود عدم قطعیت های بنیادین]	X	نگره احتمالاتی
توسعه مشارکت و حضور ذی نفعان	اولویت با خبرگان	X	مشارکت
مشارکت کنندگان در مرحله توصیف و تجویز یک گروه اند.	معمولا دو گروه مجزا به توصیف و تجویز می پردازند.	---	
ارائه سناریوهای متعدد از طریق فضای مورفولوژیک	رواج فضای ۳-۴ سناریویی	---	تعداد سناریوها
آینده نگری کنشگری + تدبیر Pre-active + Pro-active	راهبرد پیش بینی + ابتکار Imagination Forecasting		راهبردپردازی

تمایز معرفت‌شناسی

غرض اصلی در مکتب شل، تغییر در مدل‌های ذهنی است؛ لذا ساختار شکنی مناسب این هدف می‌باشد که از طریق هنر قابل تحقق است... اما در پراسپکتیو اساسا ساختاردهی که رویکردی علمی است مورد نظر است لذا تحلیل ساختاری و ایجاد فضای مناسب ارائه سناریو اهمیت می‌یابد. به همین صورت سازوکار اجماع‌سازی نیز در دو مکتب متفاوت است. در حالی که شل تنها از طریق استمرار گفتگوها به سمت اجماع حرکت می‌کند در پراسپکتیو ابزارهای اجماع‌سازی تعریف شده است. در مکتب شل و در بافتار نظام کسب و کار اندک اندک عدم قطعیت از یک مخاطره به یک فرصت ارزشمند رشد بدل می‌شود؛ حال آن که در پراسپکتیو و در فضای سیاستگذاری عدم قطعیت همواره یک مخاطره جدی باقی خواهد ماند. در شل توجه به مقوله شگفتی سازها بسیار اساسی است، این مفهوم دغدغه کلیدی و از سوی دیگر برگ برنده سناریونگاران شل بوده است. محبوبیت پیر واک و شوآرتز در پی پیش‌بینی بحران‌های نفتی در قالب همین سناریوها محقق شد. اما در پراسپکتیو اساسا حضور مقوله‌ای از جنس شگفتی‌ساز نوعی نقص در فرآیند برنامه‌ریزی و راهبردپردازی محسوب می‌گردد... در حالی که رصد شگفتی‌سازها در بافتار کسب و کار و محیط رقابتی آن نوعی مزیت می‌باشد؛ فضای سیاستگذاری حاکم بر پراسپکتیو به شدت از شگفتی‌سازها گریزان است. پرسش کلیدی و تمایز دیگری که در تطبیق دو مکتب مطرح می‌شود، بخشی از آینده است که برای سناریونگاری هدف‌گذاری می‌نمایند؛ آن گونه که اجمالا گذشت، در بافتار کسب و کار شل، آینده میان مدت و عدم قطعیت‌های ساختاری [e.g. Van der Hijden, 1996: P. 92] و در سیاستگذاری پراسپکتیو بلندمدت و عدم قطعیت‌های عمیق در مرکز توجه هستند.

نکته قابل تأمل دیگر در جایگاه سناریونگاری در هندسه و نظام فکری دو مکتب است. از آنجا که در شل، بر وجه مهارت و هنر بودن آینده‌پژوهی تأکید می‌شود لذا سناریو خروجی آرمانی تلقی شده و اساساً شل را به عنوان مکتب سناریونگاری شل می‌شناسند... حال آن که در پراسپکتیو به هیچ عنوان سناریوپردازی ضرورتی در آینده‌نگاری ندارد و اساساً انجام آینده‌پژوهی بدون هرگونه سناریو متصور است لذا پراسپکتیو تنها یک مکتب سناریونگاری نیست.

شاید هم به تعبیری بتوان گفت در مکتب شل سناریونگاری (Scenario building) اولویت دارد، حال آن که در پراسپکتیو برنامه‌ریزی سناریویی (Scenario planning) واجد اهمیت است. لذا در حالی که اهمیت راهبرد تنها در نسل سوم شل برجسته می‌شود؛ در پراسپکتیو از ابتدا تحلیل تناسب استراتژی بخشی از خروجی‌های روش‌های طراحی شده را تشکیل داده است. به طور خلاصه اهم نقاط تشابه و تفاوت دو مکتب در حوزه معرفت‌شناسی را می‌توانیم مطابق جدول ۴ فهرست نماییم.

جدول ۴- مقایسه تطبیقی عناصر معرفت‌شناسی دو مکتب سناریونگاری

سطح	مقوله	تشابه یا تفاوت	شل	پراسپکتیو
معرفت‌شناسی	نقد	✓	نقد رویکردهای پیشین در پیش‌بینی، راهبرد، برنامه‌ریزی و مدیریت	
		✓	ریشه تقریباً تمام شکست‌ها به درون سازمان / شرکت بازمی‌گردد و نه محیط [تصمیمات اشتباه]	
	مواجهه با آینده	---	دسیسه‌گری (Proactive)	کنش‌گری و تدبیر (Pre+Pro...)
	دترمنیسم	✓	رد جبرگرایی و دترمنیسم	
	اکتشاف و راهبرد	✓	لزوم توجه هم‌زمان به اکتشاف آینده و ارائه راهبرد	
		X	پیش‌نیاز: توان تغییر در مدل‌های ذهنی	پیش‌نیاز: جلب مشارکت- های عمومی و توجه ذی‌نفعان
	تقدم	X	تقدم اکتشاف و پیش‌بینی	تقدم هدف و راهبرد
	منطق	X	نگاه از کل به جزء	نگاه از جزء به کل (بررسی همه پارامترها)
	جایگاه سناریو	X	خروجی آرمانی و وحدت بخش روش‌ها [مبتنی بر اصل اکتشاف]	غیر لازم برای آپ. و غیر معادل با آپ. [مبتنی بر اصل هنجار / ساخت]
		X	سناریو، روایت یاری‌دهنده به راهبرد / توأم بودن روایت و راهبرد	جدا بودن روایت از راهبرد و تصمیم
	خروجی سناریو	X	آشنایی با فرصت‌ها و چالش‌ها	آشنایی با چالش‌های راهبردی
	کاربست	X	در سطوح بنگاه، شرکت و صنعت	در حوزه های عمومی و اجتماعی و سیاستگذاری

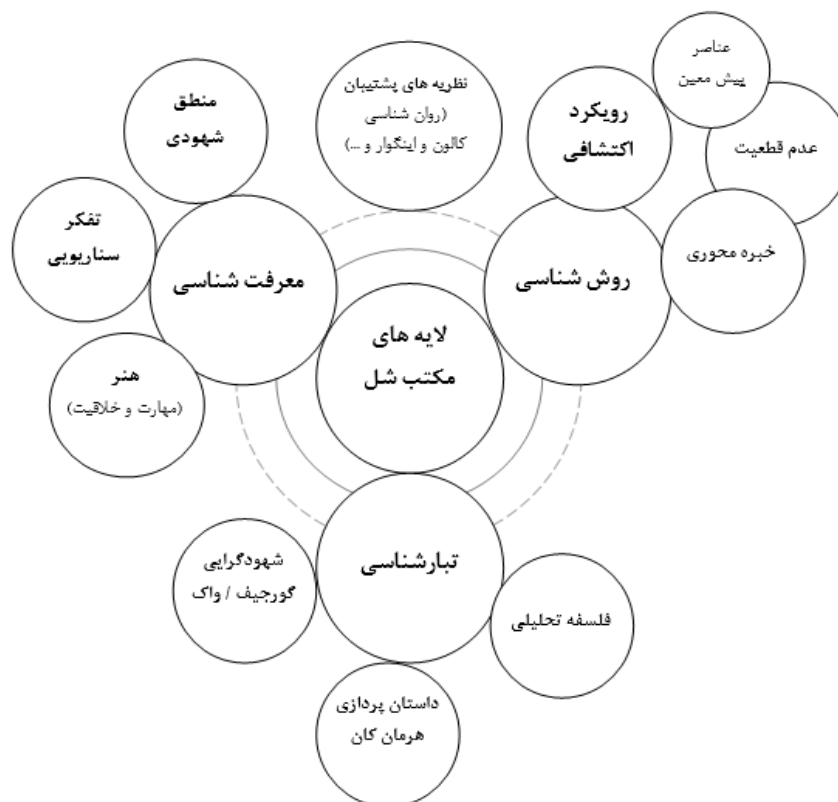
از مجموع آنچه گذشت؛ ما از طریق بررسی تطبیقی و به ویژه تحلیل‌های گفتمانی و چارچوبی مکاتب سناریونگاری، اجزای منحصر به فرد و مقوم آن‌ها را که شکل‌دهنده نظام اندیشه مکاتب هستند به دست آوردیم. به تعبیر دیگر می‌توانیم مدل کلانی برای هر مکتب ترسیم نمائیم که مشتمل بر ارکان تبارشناسی (ریشه‌های تاریخی و...)، معرفت‌شناسی (اصول و مبانی نظری و...) و روش‌شناسی (مفاهیم، رویکردها، ابزارها و...) باشد.

آن گونه که دیدیم، مکتب شل در تبارشناسی ریشه در اندیشه‌های هرمان کاهن، واک، گرجیف و فلسفه تحلیل زبان دارد. و در روش‌شناسی مقوله کانونی آن مفهوم عدم قطعیت است که بر مبنای خبره محوری تلاش می‌کند تا رویکردی اکتشافی را ارائه دهد. از لحاظ معرفت‌شناسی نیز شل، سناریونگاری را عمدتاً فعالیتی هنری می‌انگارد که با ابتدای بر منطق شهودی بایستی تفکر سناریوئی را نهادینه سازد اما از سوی دیگر ریشه‌های پراسپکتیو را بایستی به گاستون برگر، اندیشه‌های سوسیالیستی و فلسفه علم فرانسوی بازگرداند. پراسپکتیو، سناریونگاری را فعالیتی علمی قلمداد می‌کند که با ابتدای بر منطق ساختارگرایی، بایستی به بسط تفکر پراسپکتیو بپردازد. همچنین سناریوهای پراسپکتیو اغلب با رویکردی هنجاری در فضای سیاستگذاری ارائه می‌شوند.

مدل کلان مکاتب سناریونگاری

عناصر هستی شناختی غالب

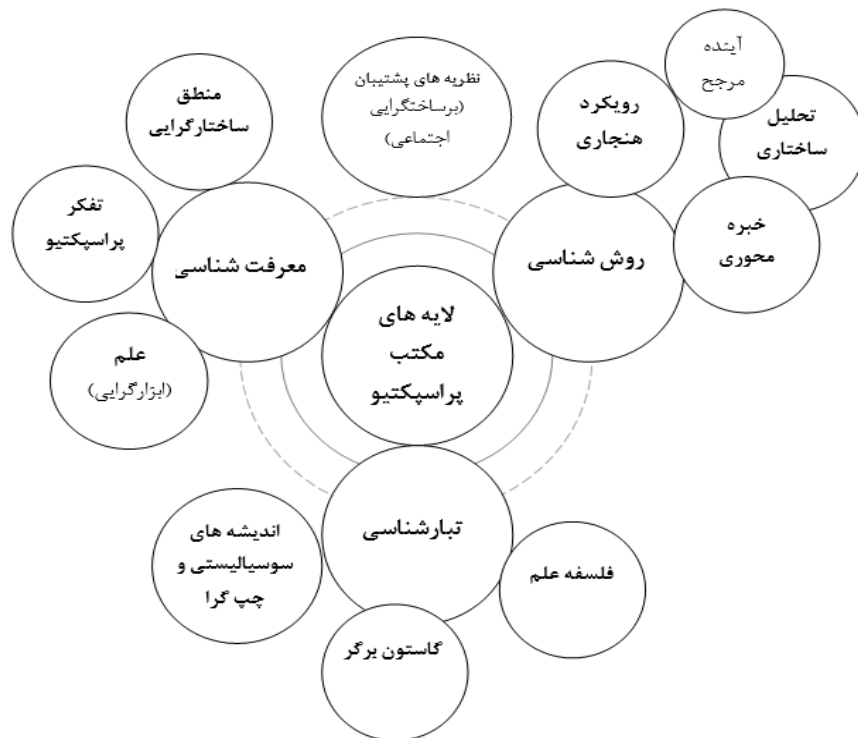
● بافتار فضای کسب و کار - خوش بینی - نگره تکاملی ●



نمودار ۵- مدل کلان مکاتب شل.

عناصر هستی شناختی غالب

بافتار فضای سیاست گذاری - بد بینی - نگره تعاملی



نمودار ۶- مدل کلان مکتب پراسپکتیو.

نتیجه گیری

مسئله ما در پژوهش حاضر تحلیل تطبیقی مکاتب سناریونگاری آینده پژوهی شل و پراسپکتیو بود. لذا در روش شناسی، تحلیل تطبیقی را به عنوان رویکردی با گام های سه گانه توصیف (۱) مقایسه (۲) و نتیجه گیری (۳) در نظر گرفتیم. از مجموع آنچه گذشت به نظر می رسد بتوان ویژگی های مجموعه ای از آراء و اندیشه ها که یک جریان فکری را به یک مکتب تبدیل می نماید؛ و به تعبیری شاخصه های اصلی یک مکتب را که متمایزکننده آن باشد به قرار ذیل برشمرد:

- ۱- داشتن اهداف مشخص از فعالیت فکری
- ۲- داشتن اصول موضوعه فکری مشخص و متمایز
- ۳- داشتن روش شناسی مشخص

۴- داشتن تاریخچه و روابط مشخص استاد و شاگردی برای یک دوره طولانی که متضمن پویایی آن باشد

۵- داشتن مجموعه‌ای از دستاوردهای فکری و فرهنگی و...

آن گونه که از بررسی تطبیقی نتایج به دست می‌آید، اگرچه مهم‌ترین نقطه اشتراک دو مکتب اصلی سناریونگاری در این دیدگاه است که برنامه‌ریزی سناریویی را رهیافتی برای تأثیرگذاری در فرآیند کلان مذاکره، راهبرده سازی و اقدام می‌دانند اما لاپراسپکتیو و شل در سیر تکاملی خود مسیرهایی متفاوت را پیموده‌اند و در چند دیدگاه کلیدی موضعی مخالف و بعضاً وارونه را اتخاذ کرده‌اند. اگر به زبان زیست‌شناسی تکاملی سخن گوئیم، مهم‌ترین عامل را بایستی اولاً در تفاوت محیط تکامل دو مکتب (بافتار) و ثانیاً در ریشه‌های آن‌ها جست‌وجو نمائیم. درحالی که بافتار شل محیط کسب و کار است؛ بافتار پراسپکتیو را حوزه سیاستگذاری تشکیل می‌دهد. همچنین شل در شهودگرایی ریشه دارد حال آنکه ریشه‌های اصلی پراسپکتیو در فلسفه فرانسوی، به ویژه فلسفه علم است. نتیجه این تفاوت‌ها در سطوح معرفت‌شناختی و روش‌شناسی برجسته شده که تأکید مکتب فرانسوی بر علم بودن پراسپکتیو و لزوم تحلیل ساختاری قرار گرفته است. حال آن که شل اساساً سناریونگاری را از مقوله هنر و با پشتوانه منطق شهودی و با هدف تغییر در مدل‌های ذهنی پی می‌گیرد. آنچه از خلال تحلیل گفتمانی و تطبیقی مکاتب به دست آمد، به محققان کمک می‌کند تا براساس قلمروبندی تحقیق خودشان و میزان تطابق شرایط، نیازها و اهداف‌شان با مؤلفه‌های ارائه شده برای شل و پراسپکتیو، به نحوی درست سناریونگاری آن‌ها را اقتباس کرده و به کار گیرند و از مغالطه و خلط روشی و معنایی جلوگیری کنند.

منابع

- 1- Amer, Muhammad & Daim, T. (2013). "A review of scenario planning". *Futures*. No. 46.
- 2- Bell, Wendell. (2005). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era*. Transaction Publishers, New Brunswick, NJ.
- 3- Bishop, P., Hines, A., & Collins, T. (2007). "The current state of scenario development: an overview of techniques". *Foresight*, 9(1), 5-25.
- 4- Bishop, P., Hines, A., & Collins, T. (2007). "The current state of scenario development: an overview of techniques". *Foresight*, 9(1), 5-25.
- 5- Börjesson, L., Höjer, M., Dreborg, K. H., Ekvall, T., & Finnveden, G. (2006). "Scenario types and techniques: towards a user's guide". *Futures*, 38(7), 723-739.
- 6- Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). "The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning". *Futures*, 37(8), 795-812.
- 7- Campbell, D. T. (1988) *Qualitative knowing in action research*. In: *Methodology and Epistemology for Social Science: Selected Papers*, E. S. Overman, ed. Chicago: University of Chicago Press, pp. 360-376.
- 8- Chermack, T. J. (2011). *Scenario planning in organizations: how to create, use, and assess scenarios*. Berrett-Koehler Publishers.
- 9- De Geus, A. P. (1988). *Planning as learning*. Shell publication series.
- 10- Godet, M. (1976). "Scenarios of air transport development to 1990 by SMIC 74—A new cross-impact method". *Technological forecasting and social change*, 9(3), 279-288.

- 11- Godet, M. (1986). "Introduction to la prospective: seven key ideas and one scenario method". *Futures*, 18(2), 134-157.
- 12- Godet, M. (1991). *From anticipation to action (handbook of strategic prospective)* UNESCO Pub.
- 13- Godet, M., Ruyssen, O., Holst, O., & Hiiber, R. (1981). "The Old World and the new technologies". Office for Official Publications of the European Communities, Luxembourg.
- 14- Gordon TJ, Glenn JC. (2003). *Futures research methodology. Millennium Project of the American Council for the United Nations University. Version. 3.*
- 15- Hosseini Golkar M, Ghazinoory S S, Saghafi F, Eivazi M, Poursheikhali A, Dehnavieh R. (2017). "Appropriate types of futures studies scenarios in health". *Med J Islam Repub Iran*. 2017; 31 (1)
- 16- Inayatullah, S. (2007). *Questioning the futures*. Tamkang University.
- 17- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. Sage.
- 18- Kahn, H., & Ghamari-Tabrizi, S. (2005). *The Worlds of Herman Kahn: The Intuitive Science of Thermo-Nuclear War*. Harvard University Press
- 19- Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. Verso.
- 20- Masini, E. B. (2001). "New Challenges for futures Studies". *Futures* 33 (2001) 637-647
- 21- Ramirez, R., & Wilkinson, A. (2014). "Rethinking the 2x2 scenario method: Grid or frames?". *Technological forecasting and social change*, 86, 254-264.
- 22- Ringland, G. (1998). *Scenario planning: managing for the future*. John Wiley & Sons.
- 23- Ringland, Gill (2002). *Scenarios in business*. Wiley.
- 24- Schoemaker, P. J. (1995). "Scenario planning: a tool for strategic thinking". *Sloan management review*, 36(2), 25-44.
- 25- Schwartz, P. (1996). *The Art of the Long View: Planning in an uncertain world*. Currency Doubleday. New York.
- 26- Schwartz, P. (2000). *The art of the long view: paths to strategic insight for yourself and your company*. Crown Pub.
- 27- Shell Scenarios Team (2012). *40 Years of Shell Scenarios*.
- 28- Slater, R. (2010). *Knowledge Base of Futures Studies*. Multimedia.
- 29- Turtorean, C. (2011). "Classifications of foresight methods". *The Yearbook of the "GH. ZANE" institute of economic researches*, 20(2), 113-123.
- 30- Van der Heijden, K. (2011). *Scenarios: the art of strategic conversation*. John Wiley & Sons.
- 31- Van der Heijden, K. (1996). *The Art of Strategic Conversation*. New York: John Wiley & Sons in GBN Book Club series.
- 32- Van Notten, P. (2003). "Scenario development: a typology of approaches". In *Schooling for Tomorrow: Think Scenarios, Rethink Education* (Vol. 6, pp. 66-92). OECD Education & Skills.
- 33- Wack, P. (1985.a). "Scenarios: Shooting the Rapids: How Medium-Term Analysis Illuminated the Power of Scenarios for Shell Management". *Harvard business review*, 63(6), 139-150.
- 34- Wack, P. (1985.b). "The gentle art of re-perceiving". *Harvard Business Review*, 63(5), 72-89.
- 35- Wack, P. (1985.c). "Scenarios: uncharted waters ahead". *Harvard business review*. Sep-Oct 85.
- 36- Wilkinson, A., & Eidinow, E. (2008). "Evolving practices in environmental scenarios: a new scenario typology". *Environmental Research Letters*, 3(4), 045017.